

# استثمار دنباله دار زنان در نظام مردسالار غرب



دستمزدهای نابرابر تنها چالشی نیست که زنان در دنیای غرب با آن دست و پنجه نرم می‌کنند.

که توسط شریک زندگی خود کشته شده‌اند، از زنان فرانسه عذرخواهی کرد.

## زمینه‌های رشد خشونت جنسی در غرب

با انقلاب صنعتی و همچنین آغاز جنگ‌های جهانی و نیاز به نیروی کار ارزان قیمت اما اتفاقات دیگری هم در دنیای غرب رقم خورد. زنان باید از خانه‌ها بیرون کشیده می‌شدند تا چرخ‌های صنعت غرب بچرخد. کارخانه‌های اسلحه‌سازی نیاز به نیروی کار داشتند و در غیاب مردانی که در جنگ حاضر می‌شدند باید زنان را به کار می‌گرفتند. پس لازم بود تا ذهن و جهان بینی آنان را تغییر داد آن هم تحت لوای شعار برابری جنسیتی! اینجا بود که رفته‌رفته جریان‌های فمینیستی شکل گرفت و تحت لوای این برابری زنان را از خانه بیرون کشیدند و در سخت‌ترین مشاغل همچون کار در معادن زغال سنگ و کارخانه‌های اسلحه‌سازی به‌کارگیری کردند. از سوی دیگر برای تضمین حضور زنان در فضای شغلی لازم بود تا آنها را از خانه و خانواده جدا کنند و احساس مادری را به عنوان قوی‌ترین حس بشری از آنها بگیرند. اتفاقی که تحت عنوان شعار فمینیستی «مالکیت بر بدن» مطرح شد. در کنار اینها انقلاب جنسی نیز موجب شد تا حق و حقوق زنان بیش از پیش پامال و خشونت‌های جنسی علیه زنان به یکی از پرسامدترین چالش‌های دنیای غرب تبدیل شود.

## شرم از خشونت علیه زنان در مهد فمینیسم

بنابر کنوانسیون موسوم به کنوانسیون استانبول که فرانسه در جولای ۲۰۱۴ آن را تصویب کرد، خشونت علیه زنان شامل هر اقدامی می‌شود که مبنای جنسیتی داشته باشد و می‌تواند آسیب جسمی، جنسی، روانی

## روز جهانی برابری دستمزد

بر مبنای همین نابرابری‌هاست که ۱۸ سپتامبر روز جهانی حقوق برابر نام‌گذاری شده است. این روز شکاف دستمزد بین مردان و زنانی را که در نقش‌های مشابه کار می‌کنند مورد توجه قرار داده است. علاوه بر این، توجه را به شکاف‌های مداوم بین نحوه ارزش‌گذاری کار سنتی «مردانه» و «زنانه» جلب می‌کند. مجمع جهانی اقتصاد تخمین می‌زند که ۱۳۲ سال طول می‌کشد تا شکاف جنسیتی جهانی با نرخ پیشرفت فعلی کاهش یابد. در سراسر جهان، یک زن به‌ازای هر یک دلار درآمد یک مرد، فقط ۷۷ سنت درآمد دارد. این شکاف به این معنی است که زنان معمولاً از قدرت مالی کمتری نسبت به مردان برخوردارند که می‌تواند به نابرابری‌های دیگری مانند تفاوت در توانایی مردان و زنان برای تأمین هزینه‌های خانه‌شان منتهی شود. روز پرداخت برابر وظیفه چالش برانگیزتر ارائه دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر را برجسته می‌کند. برای پرداختن به این مسائل و ایجاد برابری جنسیتی از طریق دستمزد برابر، شرکت‌ها باید تفاوت‌های بین زن و مرد را در عملیات و زنجیره تامین خود، به‌ویژه در مورد پرداخت، درک کنند. داده‌های تفکیک‌شده براساس جنسیت (به مرد و زن) در مورد کارگران، دستمزدها، نقش‌های شغلی، غیبت و موارد دیگر، ذخیره و تجزیه و تحلیل شده از طریق فناوری پیشرفته، شرکت‌ها را قادر می‌سازد تا این ارزیابی ضروری را انجام دهند. اما



برای مشاهده منبع  
کد را اسکن کنید

برابر در آتش سوختند همچنان این نابرابری و نابرابری‌های دیگر میان زنان و مردان در دنیای غرب ادامه دارد! شاید بسیاری از کسانی که روز جهانی زن را به یکدیگر تبریک می‌گویند و در جشن‌ها و مراسم‌های این روز شرکت می‌کنند از ریشه‌های تاریخی و صدا البته تراژیک این روز اطلاعی نداشته باشند. روزی که در واقع سالروز مرگ و در واقع در آتش سوختن ۱۲۹ کارگر در کارخانه نساجی واقع در نیویورک است. با آغاز انقلاب

یگانه شریعت

چاردیواری

صنعتی در کشور انگلیس و پس از آن با وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم و حضور مردان در جنگ، لازم بود تا کسی چرخ‌های کارخانه‌های مختلف را بچرخاند. به همین دلیل دنیای غرب که تا پیش از این ماجرا حتی برای زنان حق رای و حق مالکیت هم قائل نبود به یکباره تغییر روش داد و صحبت از مشارکت‌های اجتماعی زنان به میان آمد. این مشارکت‌های اجتماعی رفته‌رفته زنان را از محیط خانه و خانواده بیرون کشید و به کارخانه‌ها، مزارع، معادن و سایر بخش‌های نیازمند نیروی کار آورد. با وجود این مشارکت اجتماعی زنان با مردان یک فرق بزرگ داشت و آن هم دستمزد دریافتی آنان بود! زنان در بازار کار نه به عنوان یک نیروی کار عادی، بلکه نیروی کار ارزان قیمت بودند و حتی در زمانی که به آنها گاو آهن بسته شده و در مزارع زمین شخم می‌زدند یا در معادن زیرزمینی به دلیل جثه کوچک تر گاری‌های سنگین زغال سنگ را از تونل‌های صعب‌العبور معدن بیرون می‌کشیدند یا در کارخانه‌های مهمات‌سازی بدون کوچک‌ترین آموزشی به ساخت بمب و سایر مهمات می‌پرداختند و خیلی وقت‌ها بدترین نوع آسیب‌ها را متحمل می‌شدند، همچنان جنس دوم و نیروی کار ارزان قیمت بودند و دستمزدی به مراتب کمتر از مردان دریافت می‌کردند. حتی در مشاغل یکسان! این ماجرا بیش از ۱۰۰ سال پیش، یکی از نخستین جرقه‌های مبارزات زنان غربی برای به دست آوردن حقوق‌شان را کلید زد. زنان کارگر در کارخانه نساجی نیویورک دست به اعتصاب زدند. شرایط کاری سخت و غیرانسانی با دستمزد کم کارگران زن در اوایل قرن بیستم که همراه با مردان در کشورهای صنعتی وارد فابریک و بازار کاری شده بودند، آنان را وادار به مبارزه علیه این بی‌عدالتی به شکل سازمان یافته و منظم کرد. در این روز کارگران نساجی زن در یک کارخانه بزرگ پوشاک برای اعتراض علیه شرایط بسیار سخت کاری و وضعیت اقتصادی‌شان به اعتصاب دست زدند. خاطره این اعتصاب برای کارگران کارخانه نساجی باقی ماند. نارضایتی عمومی از این شرایط برای زنان کارگر ادامه داشت. این اتفاق در سال ۱۸۵۷ میلادی به هیچ نتیجه‌ای نرسید.

## مرگ در آتش؛ مجازات درخواست دستمزد برابر!

دستمزدی به مراتب پایین‌تر از مردان برخوردارند؛ آن هم به‌ازای شغلی مشابه!

## دستمزد برابر برای کار با ارزش برابر

در سراسر جهان، زنان به‌ازای هر دلاری که مردان به دست می‌آورند، تنها ۷۷ سنت درآمد دارند. به این معنا که زنان هنوز ۲۳ درصد کمتر از مردان حقوق می‌گیرند. در نتیجه، یک عمر نابرابری درآمد بین مردان و زنان وجود دارد و زنان بیشتری در فقر بازنشسته می‌شوند. برای زنان رنگین پوست، زنان مهاجر و مادران، این شکاف بیشتر می‌شود. به اصطلاح «مجازات مادری» زنان را به سمت اقتصاد غیررسمی، کار معمولی و نیمه وقت سوق می‌دهد.

## زنان مجانی کار می‌کنند!

نکته قابل تأمل اینجاست که این شکاف درآمدی بین زنان و مردان در کشورهای غربی هم به شکل برجسته‌ای وجود دارد و بارها مورد توجه رسانه‌های خودشان قرار گرفته است. چندی پیش بود که روزنامه فرانسوی «لومانیته» در مقاله‌ای با تیتیر «زنان مجانی کار می‌کنند» به انتقاد از شکاف در دستمزد زنان و مردان در کارهای مشابه پرداخت. طبق گزارش این روزنامه اختلاف دستمزد بین زنان و مردان در فرانسه به طور متوسط به ۲۲ درصد می‌رسد. نابرابری و چالش‌های زنان فرانسوی به شکاف حقوق و دستمزدشان منتهی نمی‌شود. در مهد فمینیسم زنان آنچنان از خشونت‌های خانگی و اجتماعی رنج می‌برند که رئیس‌جمهور این کشور با شعار رفع خشونت علیه زنان به کاخ الیزه راه یافت و در نهایت بابت ناتوانی دولت‌اش از رفع این خشونت با تأکید بر شرم فرانسه از خشونت علیه زنان، با انتشار فهرستی از زنانی

بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال، کارگران زن کارخانه نساجی کتان در شهر نیویورک به منظور احیای خاطره اعتصاب در این روز و با هدف تلاش برای رفع تبعیض، محرومیت و فشار کار و حقوق بسیار کم زنان، دست به اعتصاب زدند. این بار اما نتیجه از دفعه اول هم تکان دهنده‌تر بود و به یک ماجرای تراژیک تبدیل شد. صاحب این کارخانه یکجا با نگهبانان به خاطر جلوگیری از همبستگی کارگران بخش‌های دیگر با اعتصاب‌کنندگان و عدم سرایت آن به بخش‌های دیگر این زنان را در محل کارشان محبوس ساختند و بعداً به دلایل نامعلوم کارخانه آتش گرفت و فقط عده محدود از زنان محبوس توانستند از این حادثه نجات یابند. مابقی ۱۲۹ نفر از زنان کارگر در این آتش سوختند. سال‌های بعد زنان غربی در کشورهای مختلف به بهانه این روز مبارزات‌شان را برای به دست آوردن حداقل‌ها آغاز کردند. مبارزاتی که بخشی از آن به نتیجه رسید و به طور مثال پس از سال‌ها مبارزه زنان غربی توانستند به حقوقی نظیر حق رای یا حق مالکیت دست پیدا کنند. این برای زنانی که نه حق داشتند چیزی از خودشان داشته باشند و نه حق مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری برای کشورشان را داشتند دستاورد بزرگی محسوب می‌شود. اما بسیاری از موضوعات دیگر همچون دریافت دستمزد برابر برای کار مشابه، موضوعی است که همچنان در کشورهای اروپایی و آمریکا چالش برانگیز بوده و همچنان جنسیت و نژاد از عوامل تعیین کننده دریافت دستمزد است. در دنیای غرب با تمام ادعاهایش زنان هنوز هم جنس دوم و کارگر ارزان قیمت به‌شمار می‌روند و هنوز هم از